

## رسالت تبلیغ در حوزه

محمد شریفی

### چکیده

تبلیغ دین و بیان احکام و معارف اسلامی در حوزه فرهنگ دینی از اساسی‌ترین رسالت و وظایف حوزه‌های علوم دینی شیعه بوده است و عالمان دینی برای تبلیغ آموزه‌های وحیانی در جامعه مرارت ورنج‌های فراوان کشیدند و با الگو گرفتن از آرمان پیامبر(ص) گرامی اسلام و امامان معصوم(ع) برای سامان دادن زندگی مردم و جامعه بر اساس سیره و روش زندگی آن‌ها و پرتو گرفتن از آن انسان‌های کامل زحمت‌های زیاد و طاقت‌فرسا کشیدند. عالمان ربّانی، که در واقع وارثان آن‌ها هستند همیشه با تلاش و جدیت تمام نگهبان میراث معرفتی دین و ایمان مردم بودند. محاسن و نکویی‌های معارف قرآنی و اهل بیت (ع) را برای مردم روشن ساختند، و از مرزهای اعتقادی مکتب با خون دل و دادن جان خویش پاسداری و حراست کردند. آن‌ها عالم و جامع بودند، از پس هر پرسش و هجوم فکری و فرهنگی بر می‌آمدند. دیده‌بانی بودن که آفاق دید تیز نگرشان، همه مرزهای فکری و فرهنگی دارالاسلام را می‌پایند و حرکت دشمنان دین و اسلام در اقصی بلاد اسلامی، از تیررس نگاه نافذ و دور نگرشان بیرون نبود، با منطق برتر و عالی اسلامی و پشتکاری اعجاب برانگیز، تحرکات فکری و فرهنگی بیگانگان را از حرکت باز می‌ایستاندند. عالمان، با به‌کار گرفتن آگاهی‌های خود، از منابع اولیه دین: قرآن و سنت، و استناد به فهم علمی خویش از آن‌ها، کوشیدن پاسخ‌های درخور نیازهای فکری و فرهنگی مردم و جامعه عصر خویش را بیابند و با عرضه کردن آن‌ها مسئولیت نیابتی و تبلیغی خودشان را به انجام برسانند. مردم وظیفه یافتند به عالمان دین مراجعه کنند و موضع فکری و فرهنگی و رفتاری خود را در رویدادهای زندگی، با رهنمودها و هدایت‌های اجتهادی آن‌ها هماهنگ شوند.

**کلید واژگان:** رسالت، تبلیغ، حوزه، اسوه‌گیری، وراثت، نیابت .

عصر حاضر، از نظر علم و فن آوری و ابزارهای جدید اطلاع‌رسانی و تبلیغاتی با گذشته تفاوت‌های بسیاری دارد. در گذشته بیشتر وسائل و امکانات ارتباط جمعی که امروز در اختیار عموم مردم قرار دارد، وجود نداشت در عین حال آن‌ها با کمترین امکانات، بیشترین بهره‌برداری را می‌نمودند. رشد صنعت و تکنولوژی در عرصه‌های گوناگون علمی و تجربی، سبب پیشرفت علم و دانش بشری شده است. انسان‌ها موفق شده‌اند برخی از اسرار و رموز عالم خلقت را کشف نمایند. و اختراعاتی را در حوزه‌های مختلف معرفتی و جهان‌بینی پدید بیاورند. پیشرفت تکنولوژی و فن‌آوری تأثیر بسیار شگرفی بر زندگی انسان‌ها داشته است به طوری که زندگی امروزی بیشتر بر محور پدیده‌ها و مادیات دور می‌زند. ارزش‌های الهی و انسانی بواسطه سودجویی و مادی‌گرایی برخی از افراد در جامعه جای خود را به منفعت‌طلبی و رفاه‌زدگی داده است. به شکلی که مادیات ارزش واقعی در بین مردم و جامعه به‌شمار می‌آید. مهم‌ترین اثر این رویداد عصر حاضر، فقدان معنویت، خداگرایی و زیر پا گذاشتن ارزش‌های الهی و انسانی در بین مردم و جامعه شده است. و نیز تهاجم فکری و فرهنگی بیگانه، روشنفکران غرب‌گرا را در بین مردم و جامعه بیشتر نموده است. سبب ایجاد تشویش آشفتگی فکری و فرهنگی در بین مردم، جامعه و حوزه فرهنگ دینی شده است.

در چنین شرایطی، علماء و مبلغان دین به‌عنوان وارثان پیامبر(ص) و امامان معصوم(ع) وظایف و مسؤولیت‌شان در عصر حاضر بسیار سنگین‌تر از گذشته است. لازم و ضروری است علماء برای مقابله با تهدیدات و تهاجمات امروزی، نخست خود را به علوم و فنون روز، استفاده از ابزار تبلیغاتی جدید و شیوه‌های مقابله کارآمد با آن‌ها، مجهز نمایند و با زبان علم و روز و ابزار جدید به تبلیغات احکام و معرف



اسلامی و ارزش‌های دینی پردازند. جامعه رابه سوی سعادت و رستگاری راهنمای و هدایت نمایند.

### مفهوم شناسی

واژه رسالت در لغت به معنای پیغمبری، نبوت، مأموریت، مسؤولیت است. (لغت نامه، دهخدا، ج، ۲۲ ص ۳۸۸)

واژه تبلیغ از ماده (ب. ل. غ) واژه‌ای عربی و مصدر باب تفعیل است. عبارت بَلَّغَ الشَّيْءَ تَبْلِيغًا به معنای آن چیز را رسانیدن، می‌باشد. (جبران، الرائد، فرهنگ الفبایی عربی - فارسی ۳۹۸) تبلیغ در زبان فارسی به معنای رسانیدن پیام یا خبر یا مطلبی به مردم، ابلاغ، موضوعی را با انتشار اخبار و با وسایل مختلف مانند رادیو، تلویزیون، روزنامه و غیره در اذهان عمومی جاگیر کردن (معین، فرهنگ فارسی، ج ۱، ۱۰۲۵)

**تبلیغ در اصطلاح:** مفهوم اصطلاحی تبلیغ، نخست اگر چه در حیط امور دینی به کار می‌رفت و بعد ها به حوزه های دیگر تعمیم یافت از صورت جمع آن تبلیغات غالباً در حوزه های غیر از حوزه دین به کار می‌رود و استفاده می‌شود. گفتنی است که ارائه تعریفی مورد وفاق اصطلاح تبلیغ کار دشواری است و آنچه در معرف این نوشتار ذکر شده، برآیند مشترکات انبوهی از تعاریف موجود است. (خندان، تبلیغ اسلامی و دانش ارتباطات اجتماعی، ص ۶۲-۶۹) اصطلاح تبلیغ در مفهوم کلی آن عبارتست از: رساندن پیام به دیگری از طریق برقراری ارتباط بمنظور ایجاد دگرگونی درینش و رفتار او و بر سه عنصر اصلی مانند: پیام دهنده، پیام گیرنده و محتوای پیام مبتنی است.

## تبلیغ و ارتباط با مخاطبین :

در سایه تبلیغ است که مبلغین با مخاطبان ارتباط برقرار می‌کنند و پیام را به آنها می‌رسانند رابطه‌ی تبلیغ و ارتباط زمانی به خوبی تبیین می‌شود که بتوان جایگاه تبلیغ را با حفظ ضوابط و اصول آن، به دور از استعمار فکری و عاطفی روشن کرد و از هرگونه سوء استفاده و مسخ افکار مخاطب، اجتناب ورزید.

تبلیغ اسلامی عبارت است از رساندن پیام الهی به شیوه روشنگرانه از طریق ایجاد ارتباط و تشویق به پذیرش محتوای موردنظر با استفاده از ابزارهای مشروع هر عصر (رهبر، پژوهشی در تبلیغ، ۱۳۷۱: ۹۸) با این تعریف از تبلیغ روشن می‌شود که میان تبلیغ اسلامی و غیر اسلامی، تفاوت‌هایی وجود دارد. در تبلیغ اسلامی بر خلاف تبلیغ غیر اسلامی، انگیزه الهی، معنوی و عشق به هدایت انسانها، وجود دارد، پیام رسان امانت و صداقت را که شرط پیام رسانی است، رعایت می‌کند و بدون افزودن یا کاستن بر محتوای پیام، آن را به پیام‌گیرندگان می‌رساند و مهمتر از همه اینکه در تبلیغ اسلامی، از ابزار و وسایل نامشروع و ترفندها و حيله‌های شیطانی، استفاده نمی‌شود. همچنان که هدفش مشروع و مقدس است، ابزارهای آن نیز از مشروعیت برخوردار است.

تبلیغ برای هدایت مردم، از مهمترین برنامه‌ها و وظایف پیامبران الهی بوده است، به طوری که خداوند متعال با صراحت کامل می‌فرماید: رسولان اعبدوا الله و اجتنبوا الطاغوت (نحل: ۳۶).

ما در میان هر امتی پیامبری برانگیختیم با این پیام که خدا را پرستش کنید و از طاغوت پرهیزید. بنابر آنچه قرآن از سرگذشت انبیاء و رسولان الهی بیان می‌کند، تبلیغ و دعوت به شریعت، از آغاز زندگی بشر تا زمان پیامبر اسلام (ص) و پس از آن ادامه داشته و دارد. از این رو، خداوند خطاب به خاتم النبیین (ص) می‌فرماید: «انا ارسلناک بالحق بشیرا و نذیرا و ان من امة الاّ خلا فیها نذیر (فاطر: ۲۴)



ما تو را به حق برای بشارت و انذار فرستادیم و نیست امتی مگر انذار کننده‌ای در او بوده است. خداوند پیامبر (ص) را مبلغ شریعت می داند و تاکید می کند: وما ارسلناک الا مبشرا و نذیرا (اسراء: ۱۰۵). ای پیامبر! ما تو را نفرستادیم مگر به عنوان بشارت دهنده و ترساننده.

تبلیغ و دعوت به حق، زنده کردن انسانهاست چرا که خداوند می فرماید: دعاکم لما یحییکم (انفال ۲۴)

دعوت انبیاء برای زنده کردن شماسست هدایت یک انسان به مثابه زنده ساختن همه انسانهاست زیرا یک انسان صالح می تواند جامعه‌ای را به سوی نور و روشنایی راهنمایی کند. از این رو قرآن کریم تبلیغ را بالاترین نیکوکاری می داند و می فرماید: «ومن احسن قولا ممن دعا الی الله و عمل صالحا. (فصلت ۳۳)

چه کسی نیکوکارتر از کسی است که مردم را به خداوند دعوت کند و خود نیز نیکوکار باشد خداوند با این پرسش، ارزش و جایگاه تبلیغ و مبلغ را آشکار می سازد. مرحوم طبرسی در ذیل این آیه شریفه می نویسد: این آیه شریفه دلالت دارد که دعوت مردم به دین خدا، از بهترین واجبات و برترین اطاعتهاست (طبرسی، ترجمه‌ی تفسیر مجمع البیان، ج ۲۲، ۵۹: ۱۳۸۰).

تبلیغ نزد پیامبر اکرم (ص) نیز از اهمیت بسزایی برخوردار بوده است؛ چرا که ایشان حضرت سه سال آغاز رسالت خویش را به دعوت مخفیانه و تبلیغ پنهانی و پس از آن آشکارا به تبلیغ و ترویج ایمان در جامعه جاهلیت آن روز پرداخت، تا به آنجا که همراه یاران و دوستانش به شعب ابی طالب تبعید شد و سه سال را در محاصره اقتصادی و سیاسی سپری کرد. با این حال، به سبب اهمیت تبلیغ رسالت، همه آن فشارها و شکنجه‌ها را تحمل فرمود و دست از تبلیغ دین برنداشت. بنابراین، اهمیت تبلیغ در اهمیت هدایت است و هدایت یک انسان به منزله زنده کردن اوست.

فلسفه وجودی حوزه‌های علمیه، تبلیغ و تبیین مکتب، پاسداری از اسلام ناب، دفاع و حمایت از مظلوم، برانگیختن روح عدالت‌خواهی، عدالت‌گستری در جامعه اسلامی، نشر علمی و عملی فضائل اخلاقی الهی و قرآنی و فرآورده‌های دینی، پاسداشت حدود و ثغور شریعت اسلامی، زنده نگهداشتن امید به عدالت و ایجاد گشایش برای مظلومان عالم، برای پاکسازی زمین از همه ستمگران و نامردی‌ها است. عالمان ربانی در طول تاریخ، نابودی طاغوت‌ها و ستمگران و استقرار معارف و ارزش‌های ناب محمدی (ص) را در همه زوایایش وعده دادند و خود در عمل گواه این مدعی شدند برای آماده‌سازی مقدمات حکومت اسلامی رسیدن به حکومت عدل جهانی، جام شهادت را نوش کردند. گزاف نیست اگر بگوییم کارنامه حوزه‌ها، جز تبلیغ و تبیین احکام و معارف اسلامی نیست، اندک تأملی در تاریخ حوزه‌های شیعه درستی این گفتار را روشن می‌نماید. زیرا دست‌پروردگان حوزه‌های شیعه، هر کدام در دیار و اقلیم زندگی خویش، همیشه پرچم هدایت‌گری و بیان احکام و معارف اسلامی در جامعه به‌دست آن‌ها بوده است که بر بام تاریخ آن اقلیم و دیار به عنوان مشعل‌های فروزان بر سر راه کاروان بشر، برای راهنمای به کعبه وصال الهی و سانیدن جامعه اسلامی به سعادت و معنویت در تاریکستانی فتنه‌ها، هواها، هوس‌ها، و خدعه‌ها بوده‌اند. آن‌ها درسیاه‌ترین دورها، امید به عدالت‌خواهی و عدالت‌گستری را در جامعه و دل‌های پاک زلال فطرتان در همه جای دارالاسلام زنده نگهداشتن. امیدی، برای تکاپو در زندگی و گذشتن از باتلاق‌های گمراهی و جهل و دودلی، برای رسیدن به ساحل نجات‌خدایی و سعادت و آرامش و آسایش جاودانی برای مردم و جامعه رهنمون ساختند.

به سه رسالت مهم و اساسی که ساختار حوزه‌ها و بافت زندگی اندیشه‌داران فرهیخته‌گان او را تشکیل می‌دهد اشارتی گذرا می‌کنم:

## ۱- رسالت تبلیغ در اقتداء واسوه گیری:

اقتداء و اسوه گیری از آرمان‌های پیامبر گرامی اسلام و جانشینان او و سامان دادن به زندگی مردم و تلاش حوزویان و سیرت و رفتار عالمان دینی و طالبان علم، براساس سیره حضرت محمد(ص) و امامان معصوم(ع) و پرتو گرفتن از انسان‌های کامل است. بخصوص امام زمان (عج) و انتظار ظهور او برای حوزویان، نه یک عقیده که زندگی است، زندگی علمی و عملی حوزویان است. به باور ما، ولی عصر، سرپرست و صاحب اصلی حوزه‌ها است، ولی نعمت آنها است، تغذیه فکری و معنوی و مادی آنها، به عنایت اوست، همه حوزویان سرباز اویند، بر خوان نعمت او نشسته‌اند، از او چراغ راه می‌گیرند و رسم هدایت می‌جویند. مردم نیز به آنها چنین می‌نگرند و ایتم آل محمد(ص)، در زمان غیبت امام و سرپرست و سرور خویش، به حوزه‌ها پناه می‌آورند و از آنان یاری می‌خواهند و راه هدایت می‌جویند. با این برداشت، متولیان و سازمان‌دهندگان حوزه، که خود نیز به یمن وجود و عنایت و لطف او، عزت و سروری یافته‌اند، لازم و ضروری است که خطوط نورانی قامت معنوی آن امام همام را تراز و شاغول سازماندهی تشکیلات، بازسازی و بالنده‌سازی حوزه‌ها کنند. همه تلاش خویش را در پی‌ریزی حوزه‌ای که خوشنودی مولا است به کار گیرند. رسالت جهانی حضرت مهدی(عج) را با همه بار معانی‌اش، دلیل کارحوزه‌ها کنند.

حوزه‌ای بسازند که شاگردانش اوصاف ولی عصر را قبله خویش قرار دهند و عشق به او را راه خود سازند. با عشق به او تبلیغ و تبیین احکام و معارف اسلامی نمایند و سبب نشر اوصاف و فضایل اخلاقی او در بین مردم و جامعه باشند.

اگر مهدی، امام عصر، ولی عصر، امام زمان و صاحب عصر و زمان است، عالمان نیز، زمان‌شناس بار آیند و پیشقراولان و طلایه‌داران عصر خویش باشند، تابوتانند، مدیر دلسوز و هدایتگر خوب و توانا برای قبیله و جامعه خویش شوند و زمان روزگار و

جامعه اسلامی و زندگی مردم را بر راستای ویژگی‌ها و هدف‌های اسلامی و قرآنی سامان دهند.

اگر حضرت مهدی (عج)، آیت کبرای الهی برای جهان و خلق است، زندگی، گفتار، رفتار، منش اجتماعی سیره عملی و علمی سربازان او، رنگ و بوی الهی داشته باشد و سیمایشان آیت و نشانه‌ای باشد، از جمال و جلال الهی و اوصاف زیبای مولا، چهره‌هایشان همیشه خداراتبلیغ و فریاد آرد و نشست و برخاست با آنان، بر روحانیت و معنویت و ایمان مردم و جامعه بیفزاید و سبب هدایت آنها باشند.

امام صادق (ع) از رسول خدا (ص) نقل می‌فرماید:

قال الحواریون لعیسی (ع) یاروح الله من نجالس ؟ قال: من ینذکرکم الله رؤیته، ویزد فیسی علمکم منطقه ویرغبکم فی الاخرة عمله. (اصول کافی ج ۱ ص ۳۹)

یعنی حواریون به حضرت عیسی (ع) گفتند یا روح الله با چه کسی بنشینیم فرمود: با کسی که دیدارش شما را بیاد خدا اندازد و سخنش دانش‌تان را زیاد کند و کردارش شما را به آخرت تشویق کند.

رسول خدا (ص) فرمود:

النظرالی وجه العالم عبادة (بحار الانوار ج ۱ ص ۱۹۵)

پیامبر گرامی اسلام فرمود: نگریستن به چهره عالم عبادت است. این است که هم-نشینی و نگریستن به سیمای عالم عبادت به شمار می‌آید.

اگر حضرت مهدی (عج)، حجت خدا برای خلق در زمین است، دست‌پروردگان حوزه به راستی حجت بر حقانیت اسلام برای مسلمانان باشند. آنها معارف الهی را نوش کرده و با تبلور عشق به صاحب زمان در دل‌ها، بر دنیا وزرق و برق دلربای آن، و آنچه که مزاحم رسالت تکلیف و تبلیغ است، پشت می‌کنند و چهره بر می‌گردانند.

رسول خدا فرمود:

العلماء امناء الرسل ما لم یخا لظوا السلطان ولم یداخلوا الدنیا. (کنز العمال ح ۲۸۹۵۲)





یعنی عالمان امنای پیامبرانند، تازمانی که با سلطان و حاکم ستمگر معاشرت نکند و دنیایی نشوند. عالمان، وقتی به عنوان امین خدایند که دل‌بستگی به دنیا و زرق و برق آن نداشته باشند.

اگر امام عصر (عج) به عنوان امین نواخته شده است، جهت سازمان حوزه نیز، باید در این باشد که دست‌پرودگانی امین تربیت کند: امین در تبلیغ و رساندن معارف ناب اسلامی به مردم و جامعه، امین در بیان حقایق، امین در پاسداری از عدالت اسلامی، امین در حفظ و حراست از ایمان و نوامیس امت اسلامی.

امام باقر (ع) فرمود: العالم کمن معه شمعة تضيء للناس فكل من ابصر شمعته، دعا له بخير كذا لك العالم مع شمعة، تزيل ظلمة الجهل والحيرة... (احتجاج ج ۱ ص ۱۷)

یعنی دانشمند مانند کسی است که با او شمعی است و به مردم می‌درخشد و هر کس شمع او را می‌بیند برای او دعای خیر می‌کند. دانشمند نیز این گونه است شمعی دارد که با آن تاریکی نادانی و حیرت را از بین می‌برد.

ولی عصر، نور خدا است که در پرتو انوارش، هدایت‌جویان راه بینند و ره پویند، سربازان و شاگردان او نیز، باید چنان مشعلی باشند در جامعه، برای تبلیغ معارف قرآنی و اسلامی فرا راه ره‌جویان و ره‌پویان حق و حقیقت در این عالم باشند. باید نیروهای انسانی برآمده از حوزه، تبلور اخلاقی الهی و قرآنی و تجسم ارزش‌های اسلامی باشند. در گفتار و کردار و رفتار، پرتوی از کمالات و کرامات مولوی را به نمایش گذارند و نیم‌رخ‌ی از یار بنمایانند.

اگر صاحب زمان، مظهر عزت الهی است، حوزه‌ها نیز، دانش‌جویان و دانش‌پژوهان با عزت و مناعت طبع تربیت نماید. اگر او، به وقت اقتدار، پوشش ساده دارد، غذای ساده میل می‌کند، و در معیشت چونان جدش مولای موحدان هست، حوزویان نیز به گونه ساخته شوند که به هنگام اقتدار، فریفته ظاهر زیبای دنیای پرنیرنگ نشود

و کرسی قدرت زبونشان نکند، بلکه با پیشه نمودن تقوای الهی قدرت را با تبلیغ معارف قرآنی و اسلامی در بین مردم و جامعه رام خدمت به خلق خدا کنند.

در یک کلام، حوزه‌ای سامان دهیم که طالبان علم و عالمانش رو به کوی مولا داشته باشند، آهنگ انتظار ظهور او را در تارهای وجودشان بینوازند و عشق به مولا، از نوای ضربان قلبشان به گوش برسد، شیفته و فرهیخته وصال او شوند در همه احوال، آماده برای تبلیغ معارف الهی و لیک به دعوت مولا باشند. حوزه، چونان پادگانی باشد. هر وقت و هر لحظه در آماده‌باش کامل، هر آن ممکن است او از در آید و بانگ قیام و انقلاب سر دهد.

## ۲- رسالت تبلیغ در وراثت بودن علماء از جانب انبیاء و امامان

### معصوم :

عالمان ربانی و حوزه‌های علوم دینی در روزگاری که امام زمان، از ما چهره پوشانیده است، وارث او، در نگرهبانی میراث معرفتی دین و ایمان مردمنند. در تبلیغ معارف و بیان احکام اسلامی، روشن ساختن مرزهای اعتقادی، بیرون آوردن معارف، اخلاق، آداب، موازین تربیتی از متون دینی و تامین دانش‌های دینی مورد نیاز مردم و جامعه اسلامی، بر آنان است. آنان در روزگار غیبت، باید محاسن و نیکویی‌های معارف قرآن و اهل بیت را برای نسل‌های امت اسلام روشن نمایند و برتری منطق و توانایی اسلام را در بر آوردن بهروزی و سعادت بشریت، با زبان همان روزگار و با بهره‌وری از بهترین ابزار اطلاع‌رسانی و تبلیغاتی پیام اسلام را به جهان، برسانند. چنان که رسول خدا(ص) فرمود: العلماء مصابیح الارض و خلفاء الانبیاء و ورثتی و ورثة الانبیاء. (نهج الفصاحه ح ۲۰۱۴)

دانشمندان، چراغ‌های زمین، جانشینان پیامبران، وارثان من و پیامبرانند. این وراثت، در واقع همان زنده نگهداشتن و تبلیغ معارف اسلامی بر فراز اعصار و امصار است. در روزگاری طولانی غیبت امام عصر، شیطان‌های پنهان و آشکار، تهاجم خود را علیه



امت اسلامی با استفاده از همه ابزار و روش‌ها آغاز کرده‌اند، تا پایه‌های اعتقادی مسلمانان را سست و ایمان آنان را برابیند، تنها پناهگاه مسلمانان، حوزه‌های علمی و اعتقادی است که باید در هر مورد، به دفع و رفع این زیان‌ها و خطرهای پردازند و با بهره‌گرفتن از منطق نیرومند قرآنی و اسلامی، پیام اسلام را به مردم و جهان برسانند و کار وظیفه‌بانی و مرزرداری خویش را به خوبی به انجام رسانند.

چنان که امام هادی (ع) فرمود: لولا من یبقی بعد غیبة قائمنا، من العلماء الداعین الیه والذالین علیه والذابین عن دینه بحجج الله والمنقذین لضعفاء عبادالله من شباک ابلیس ومرد ته ومن فحاخ النواصب لمابقی احدالاً ارتدعن دین الله ولکنهم الذین یمسکون ازمة قلوب ضعفاء الشیعه کما یمسک صاحب السفینة سکناتها... (میزان الحکمة، ج ۶، ص ۴۵۶)

یعنی اگر در روزگار غیبت قائم، عالمانی نبودند که ظهور و فرج او را فریاد کنند و مردم را به سوی او راهنمایی نماید و از دین او، با استدلال‌های محکم، به دفاع بر خیزند و کسانی را که ایمان سستی دارند، از تور شیطان و پیروانش و از شکار ناصبیان و یورش‌گران بر ارکان دین رهایی بخشند، هیچ کس باقی نمی‌ماند، مگر این که راه ارتداد را پیش می‌گیرد، ولی آنان زمام دل‌های شیعیان را در دست می‌گیرند چونان که ناخدای کشتی عقبه کشتی را.

گل‌های سرسبد حوزه‌ها، عالمان ربانی، بحق درازنای تاریخ تشیع مرزبانانی وظیفه-شناس وارثان امین و هوشمند بودند و از میراث به جای مانده پیامبر و امامان شیعه، نیک پاسداری کردند، در هر دوره‌ای غبار خرافه را از سیمای زلال دین و مکتب زدودند و با خرافه‌باغان و خرافه‌سازان، به ستیز و رویارویی برخاستند، شبهه‌ها را پاسخی در خور دادند و دماغ شبهه‌افکنان در دین و ایمان مردم و جامعه را با برهان‌ها و استدلال‌های متین به خاک مالیدند و ایتم آل محمد (ص) را که میراث معنوی و مذهبی‌شان مورد تاخت و تاز قرار گرفته بود، با رنج‌های استخوان‌سوز، طاقت‌فرسا و

مقاومت و درایتی شگفت‌انگیز، پاس داشتند و توصیه امامان(ع) در توصیف وارث علم حقیقی اهل بیت را تبلور عینی و عملی بخشیدند.

امام صادق (ع) فرمود: علماء شیعتنا مرا بطون فی الثغر الذی یلی ابلیس و عفارینته، یمنعو هم عن الخروج علی ضعفاء شیعتنا وعن ان یتسلط علیهم ابلیس و شیعتہ والنواصب ألا فمن انتصب لذلک من شیعتنا کان افضل ممن جاهد الروم والترک والخزر ألف مرة لانه یدفع عن ادیان محبینا وذلک عن ابدانهم. (احتجاج، ج ۱، ص ۱۷)

علماء پیروان ما همانند مرزدارانی هستند که در برابر ابلیس و لشکریانش صف کشیده و از یورش آنها جلوگیری می‌کنند، و نیز از تسلط ابلیس و پیروان ناصبی و معاند او، با اهل بیت بر آنها پیشگیری می‌کنند. آگاه باشید ارزش آن دانشمندان شیعه‌ای که چنین خود را در معرض دفاع قرار داده‌اند، هزار هزار بار بالاتر از سپاهیان است که در برابر هجوم دشمنان اسلام از کفار روم و ترک و خزر، پیکار می‌کنند، زیرا علماء نگهبانان عقاید و فرهنگ اسلام و مدافع دین دوستان ما هستند، در حالی که مجاهدان حافظ مرزهای زمینی هستند.

سرگذشت جهاد علمی عالمان ربانی، در طول تاریخ حوزه‌های علوم شیعه، پر از حماسه، ایثار، نستوهی و سر باختگی است. آنان هم اسلام ناب را پاس داشتند و هم در رویارویی با زر و زور و تزویر حاکمان ستمگر تاریخ، با تبلیغ و جان‌فشانی پرچم سرخ تشیع را برفراز فرهنگ شهرهای این خاکستان، بر افراشته داشتند. عالم بودن و جامع بودن، از پس هر پرسش و هجوم فکری و فرهنگی بر می‌آمدند. دیده‌بانی بودن که آفاق دید تیزنگرشان، همه مرزهای فکری و فرهنگی دارالاسلام را می‌پایند و حرکت دشمنان دین و اسلام در اقصی بلاد اسلامی، از تیررس نگاه نافذ و دورنگرشان بیرون نبود، با منطق برتر و عالی اسلامی و پشتکاری اعجاب برانگیز، تحرکات فکری و فرهنگی بیگانگان را از حرکت باز می‌ایستاندند.



نگاهی به سیره و میراث عظیم فرهنگی و علمی عالمان شیعه، گواه این مدعا است. نوشته و تألیف کتاب‌های گوناگون در زمینه‌های مختلف که هر کدام در پس خود فلسفه‌ها، رازها و رنج‌ها و حماسه‌ها دارند و فصلی پر دامنه از رویارویی علمی تبلیغی و فرهنگی حوزویان و دیگر اندیشان را فراروی ما می‌کشایند. مطالعه و کاوش در چند و چون و خاستگاه علمی و فرهنگی پدید آمدن آن کتاب‌ها، مانند تابلوهایی زیبا از چگونگی تبلیغ فکری و فرهنگی و مرزبانی، وظیفه‌داری عالمان حکایت می‌کند.

تلاش آنان در پاسداشت و حراست و تبلیغ از اندیشه و فرهنگ سرنوشت‌ساز و دشمن برانداز اسلام، بر تارک تاریخ جامعه تشیع در عالم، خودنمایی می‌کند و چشم و دل هر خواننده و پژوهشگر را می‌نوازد. تابلوهایی که بیش از هزار سال، حماسه، تلاش و تبلیغ فکری و فرهنگی، میراث‌داری و تکلیف‌شناسی حوزویان را در عرصه‌های گوناگون به نمایش می‌گذارد. از شیخ مفید، ابن بابویه، کلینی، علامه حلی تا علامه امینی و سایر عالمان و هم‌فکران و شاگردان آن‌ها این تابلوهای زیبا و نفیس تاریخ حوزه‌ها علوم دینی شیعه و تبلیغ و بیان معارف و احکام اسلامی و نیز چگونگی روش آن‌ها را برای ما روشن می‌سازد. در این تابلوهای زیبا، شگفتی‌هایی از جلوداری و تبلیغ علمی و فکری، فرهنگی، گستره آگاهی و آزاد اندیشی، صاحبان آن‌ها را نشان می‌دهد. نیز مرزبانی تا پای شهادت، مبارزه با خرافه و کژ فکری و تنگ‌اندیشی در جامعه اسلامی را به خوبی روشن می‌سازد و برای امروز حوزه‌ها می‌تواند راهنما و الگوی نیک برای تبلیغ و تدریس و بیان احکام و معارف اسلامی باشد.

### ۳- رسالت تبلیغ در نیابت علماء از جانب امام زمان :

مهم‌ترین و دشوارترین وظیفه و تکلیف حوزه‌ها در عصر غیبت، نیابت عامه است بی‌شک نیابت از امامی که منادی و برابری است و در پس پرده غیبت، تا با ظهور خویش، حکومت عدل جهانی بر موازین الهی، برپا کند نیابت تنها پرداختن به

مباحث اصول و فقه نیست، به کرسی مدرّسی و زیادی شاگردان نیست، به داشتن و کتب در زمینه مباحث فقه و اصول نیست.

نیابت، پذیرش همه تکالیف اسلامی: تبلیغی، علمی، سیاسی، اجتماعی، تربیتی، و راهنمایی و رهبری است. نیابت در واقع از مقوله اقدام و عمل است، نه علم تنها. نیابت، تبلیغ و میدان‌داری و حماسه‌گستری در برابر دشمن در زمینه‌های فکری و فرهنگی است نه انزوا گزینی و پس پرده نشینی. نیابت شناختن زمان و جهان، سیاست‌های جهانی و اشراف داشتن بر حرکت تاریخ و جامعه است، نه گز کردن مسیر خانه و محل درس. نیابت، تبلیغ معارف قرآنی و اسلامی و پرتو افشانی است فراروی همهٔ پاکان و پاک‌فطرتان و طالبان حق و حقیقت جهان، نه نشستن در کنج حوزة‌ها. نائب امام زمان (عج) نه هر فقیه و رساله‌دار است.

عالم و دین‌شناسی است که روح دین را نوش کرده است در همه زوایا و نیازهای فکری و فرهنگی مردم و جامعه مرجع و ملجأ است. نیابت در حقیقت، سرپرستی و رهبری عامه است، رهبری سیاسی، نظامی، فرهنگی، و اقتصادی جامعه اسلامی. تبلیغ و پاسداری از جامعه اسلامی در دریای متلاطم روزگار خویش و نگهبان جوامع اسلامی در برابر هجوم امواج افکار و فرهنگ‌های بیگانه باشند، مدیریت و هدایت جوامع اسلامی در برابر غوغای رهن و حیرت‌انگیز امواج هجوم بر ارکان دین و ایمان و باور مردم و جامعه اسلامی خویش باشند.

حضرت امام حسن عسگری (ع) فرمود:

فأما من كان من الفقهاء صائناً لنفسه، حافظاً لدينه، مخالفاً على هواه، مطيعاً لامر مولاه، فللعوام أن يقلدوه و ذلك لا يكون إلا بعض فقهاء الشيعة لا كلهم. (وسایل الشیعه، ج، ۲۷ ح، ۱۰)

یعنی از میان فقهاء و علماء دین آن کسی که خود را از (هر گناه کوچک و بزرگ) نگهدارد و نگهبان دین و آئین (اعتقادات خود و مردم) باشد، با خواسته‌ها و



تمایلات شخصی خود مخالفت کند و از دستورات مولای خود اطاعت و پیروی نماید، بر مردم است که از او پیروی کنند بعضی از فقهای شیعه چنین هستند نه همه آنان.

هر کس از دین‌شناسان و فقیهان در دین، که کشیک نفس کشد و دروازه شهر وجود خود بر هواها، هوس‌ها و خواسته‌های نفسانی ببندد و دین خود را پاس دارد و از مرزهای اعتقادی به تبلیغ و دفاع بر خیزد و پا روی انبوه خواهش‌های نفسانی خویش گذارد و دستورات مولا را در همه زمینه و زوایایش، اطاعت و پیروی نماید، بر عموم مردم و جامعه اسلامی لازم که سرپرستی و رهبری او را پذیرند و از راهنمایی و هدایت او پیروی کنند.

امام زمان (عج) در جواب نامه یکی از چهره‌های مورد اعتماد شیعه (اسحاق بن یعقوب) فرمود:

و اما الحوادث الواقعة فارجعوا فيها الى رواة حديثنا فانهم حجتي عليكم و انا حجة الله عليهم. (کمال الدین و تمام النعمة، ج، ص ۲۳۸)

و اما در مورد رویدادها و جریاناتی که در آینده پیش خواهد آمد به راویان حدیث ما رجوع نمایید زیرا آنان حجت من بر شما هستند و من حجت خدا بر آنان می‌باشم. بر اساس دلالت روایات در دوران غیبت مسؤلیت و رسالت دینی امام زمان (عج) در برابر حفظ مکتب و هدایت و راهنمای امت اسلامی، بر عهده عالمان دین به عنوان نایب و جانشین امام، نهاده شده است. شرح و تفسیر و تبلیغ دین، به منظور پاسخ‌گویی به نیازهای موجود مردم و دین‌داران و بازگویی و بازفهمی تعالیم به جای مانده از امامن معصوم (ع) به وسیله آنان آغاز شد. عالمان، با به کار گرفتن آگاهی‌های خود، از منابع اولیه دین: قرآن و سنت، و استناد به فهم علمی خویش از آنها، کوشیدن پاسخ‌های در خور نیازهای فکری و فرهنگی مردم و جامعه عصر خویش بیابند و با عرضه کردن آنها مسؤلیت نیابتی و تبلیغی خودشان را به انجام برسانند. مردم وظیفه

یافتند به عالمان دین مراجعه کنند و موضع فکری و فرهنگی و رفتاری خود را در رویدادهای زندگی، با رهنمودها و هدایت‌های اجتهادی آنها هماهنگ شوند. این پیوند ارتباط متقابل، میان عالمان و مردم سبب گردید، معارف دینی در پرتو تلاش‌های دین‌شناسه عالمان در بخش‌های گوناگون مکتب با گذشت روزگار رشد و توسعه یابد. دانش‌های بسیاری، مانند: فقه، کلام، اصول، تفسیر، حدیث، رجال، فلسفه، عرفان و تاریخ، که اساس فکری آنها در عصر حضور امامان معصوم (ع) آغاز شده بود، مراحل تکامل را پیمود و میراث علمی ارزنده‌ای با تبلیغ و هدایت آنان در جامعه به خوبی پدید آمد. آنها دین‌شناسان فقیهانی هستند که افزون بر گستردگی بینش، برخوردار از درایت و مدیریت، اهل حماسه و تبلیغ و اقدام باشند، سری نترس و زبانی صریح در بیان معارف اسلامی و ارزش‌های دین داشته باشند و شهادت در دفاع و ابلاغ و پاسداری از دین را یکی از دو نیکویی شمارند. همین اندک از عالمان شیعه، همیشه همه جا و در هر شرایطی، مشعل مکتب تشیع را روشن نگاه داشتند و هر دوره، گرچه اندک شمار بودند، ولی آفاق تبلیغ و افکارشان همه‌گیر بود، آنها نه تنها در همه جنبش‌های درست اسلامی، حضور پر شور و چشم‌گیر داشتن که خود پدید-آورنده و سردمدار بسیاری از جنبش‌های اسلامی و همه قیام‌های شیعی علیه ستم و استبداد بودند. زیرا مقتضای نیات از امام را تلاش برای برپایی حکومت و قانون اسلامی و نابودی حاکمان ستمگر می‌شمردند، با همین برداشت، برای زمینه حکومت عدالت‌گستر اسلامی، بر چوبه دار رفتند و گاهی در آتش فخر و کینه دشمن سوختند و با انوار شهادت‌شان، انسان‌ها را راهنمایی نمودند و بر خروش درآوردند.

شهیدان فضیلت حوزه‌های شیعه که بسیارند، گناهی جز تبلیغ و بیان معارف اسلامی و پاسداشت نیابت امام زمان (عج) نداشتند، شماره اقدام‌ها و حماسه‌های عالمان و فقیهان، عارفان، فیلسوفانی که که خلیل آسا پا در معرکه مصاف با نمرودیان زمان نهادند و قامت زیبای بیات را با بیان معارف قرآنی و اسلامی اقدام بجا و خدایی





خویش، استوار داشتند، شاهد گویا و برکت عظیم این تعلیم دینی و مقام مقدس در زمان غیبت کبرا، پیروزی انقلاب اسلامی در ایران است که انشاءالله طلیعه انقلاب جهانی حضرت مهدی (عج) است، انقلابی که پیاده احکام و موازین وحی و معارف اهل بیت (ع) را مهم‌ترین وظیفه خویش می‌داند، می‌رود که اسوه ای شود برای برای همه مسلمانان و حق‌جویان جهان. این است که حوزه‌های علوم دینی، عالمان بزرگوار حوزه و فاضلان فرهیخته، تبلیغ و گسترش اسلام ناب را باید پاس این نعمت کریمه بدانند و کرامتی را که برای حوزیان از برکت انقلاب اسلامی و اقدام بزرگ امام راحل، پدید آمده است، پاسدارند. پاسداشت این نعمت برین و بزرگ برای بیرون کشیدن حقایق و معارف ناب قرآنی و اسلامی، از لابلای گرد و غبار هزار ساله است که با دست عالم‌نماهای متهتک و جاهلان منتسک بر سیمای اسلام نشسته، بویژه احکام و معارف جامعه‌ساز و نظام‌پرداز اسلامی جز با تحوّل و دگرگونی ژرف و همه‌جانبه در تشکیلات شیوه آموزش، متون درسی و از همه مهم‌تر، دگرگونی در تلقی از رسالت تبلیغ حوزه‌ها و عالمان دینی امکان‌پذیر نیست.

حوزه اگر بخواهد رسالت خدایی و تبلیغی خویش را در عرصه‌های: اقتدا و اسوه-گیری، وراثت، نیابت، به انجام رساند، باید سازمان و تشکیلات درخور پرورش و تربیت عالمانی برای به دوش کشیدن و به سرانجام رساندن آن مأموریت‌های بزرگ، پایه‌گذاری نماید و با کمک و یاری گرفتن معنوی و مادی از نایب برحق امام زمان (عج) مقام معظم رهبری، که بیش از هر کسی، درد کار آمدی و نقش آفرینی حوزه‌ها و حوزویان را دارد، خوشنودی و رضایت صاحب اصلی حوزه امام زمان (عج) را فراهم سازد.

## نتیجه‌گیری

تبلیغ نزد پیامبر اکرم (ص) نیز از اهمیت بسزایی برخوردار بوده است؛ چرا که ایشان از آغاز رسالت تا واپسین روزهای عمر خویش به این امر مبادرت ورزید. تبلیغ دین و بیان احکام و معارف اسلامی در حوزه فرهنگ دینی از اساسی‌ترین رسالت و وظایف حوزه‌های علوم دینی شیعه بوده است. علماء مشعلی باشند در جامعه، برای تبلیغ معارف قرآنی و اسلامی فرا راه‌ره‌جویان و ره‌پویان حق و حقیقت در این عالم باشند. باید نیروهای انسانی برآمده از حوزه، تبلور اخلاقی الهی و قرآنی و تجسم ارزش‌های اسلامی باشند. در گفتار و کردار و رفتار، پرتوی از کمالات و کرامات مولوی را به نمایش گذارند و نیم‌رخ از یار را بنمایانند.

عالمان شیعه، همیشه همه جا و در هر شرایطی، مشعل مکتب تشیع را روشن نگاه داشتند و هر دوره، گرچه اندک شمار بودند، ولی آفاق تبلیغ و افکارشان همه‌گیر بود، آن‌ها نه تنها در همه جنبش‌های درست اسلامی، حضور پر شور و چشم‌گیر داشتن که خود پدیدآورنده و سردمدار بسیاری از جنبش‌های اسلامی و همه‌قیام‌های شیعی علیه ستم و استبداد بودند. زیرا مقتضای بیانات از امام را تلاش برای بر پای حکومت و قانون اسلامی و نابودی حاکمان ستمگر می‌شمردند، با همین برداشت، برای زمینه‌سازی حکومت عدالت‌گستری اسلامی، بر چوبه دار رفتند و گاهی در آتش فخر و کینه دشمن سوختند و با انوار شهادت‌شان، انسان‌ها را راهنمایی نمودند و بر خروش در آوردند.



## منابع

### قرآن کریم

۱. اربابی، علی محمد، تبلیغات تجاری، تهران، دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی. ۱۳۵۰.
۲. پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه، تهران ۱۳۸۲ چاپ، چهارم.
۳. جبران، مسعود، الرائد (فرهنگ الفبایی عربی، فارسی) ترجمه: محمد فاضلی، مشهد، آستان قدس رضوی ۱۳۸۶.
۴. خندان، محسن، تبلیغ اسلامی و دانش ارتباطات اجتماعی، تهران سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۴.
۵. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۳۹.
۶. رهبر محمد تقی پژوهشی در تبلیغ، نشر مرکز چاپ سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول، تابستان ۱۳۷۱.
۷. شیخ صدوق، محمد، کمال الدین تمام النعمه، مترجم منصور پهلوان قم، انتشارات مسجد جمکران، ۱۳۸۲ ه.ش، چاپ دوم
۸. طبرسی، فضل بن حسن، ترجمه‌ی تفسیر مجمع البیان، مترجم: علی کرمی ویراستار: رضا انصاری محلاتی، مؤسسه انتشارات فراهانی ۱۳۸۰.
۹. طبرسی، علی، احتجاج، دارالتعارف بیروت ۱۴۰۱ ه ق چاپ پنجم.
۱۰. کلینی، محمد، اصول کافی، دارالتعارف بیروت، ۱۴۰۱ ه ق، چاپ چهارم.
۱۱. عاملی، محمد، وسائل الشیعه، احیاء التراث العربی بیروت ۱۴۱۶ ه ق، چاپ دوم.
۱۲. متقی هندی، علی، کنز العمال، دارالتعارف بیروت، ۱۴۰۱ ه ق چاپ پنجم.
۱۳. علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت، مؤسسه الوفا، ۱۴۰۳ ه ق، چاپ دوم.
۱۴. معین، محمد، فرهنگ فارسی، تهران، بهزاد. ۱۳۸۲.



۱۵. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحمه، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی قم، ۱۳۸۶

ش، چاپ سوم.

دوفصلنامه تخصصی معارف اسلامی و تبلیغ و ارتباطات / سال ششم / شماره چهاردهم / بهار و تابستان ۱۴۰۱